

بررسی روش کلاس‌داری آموزگار بر پایه‌ی جنسیت دانش‌آموزان

دکتر عذرا دبیری اصفهانی

dabiriaca@yahoo.ca

استادیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء

چکیده

آیا در مدارس به تفاوت‌های جنسیتی دامن زده می‌شود؟ آیا کنش‌ورزی‌های کلاسی میان آموزگار و شاگردان، پدیدآورنده‌ی نابرابری‌های جنسیتی در کلاس درس و در پی آن در جامعه است؟ آموزگار به سان عضوی از جامعه، بی‌گمان متأثر از فرهنگ چیره‌ی جامعه‌ی است که در آن زنده‌گی می‌کند. نگرش‌های موجود درباره‌ی توانایی دختران و پسران و میزان موفقیت آن‌ها در رشته‌های گوناگون آموزشی و شغل‌های مختلف، پنداره‌های آموزگار را می‌سازد.

در این پژوهش، تأثیر جنسیت دانش‌آموزان بر روش کلاس‌داری آموزگار بررسی شده‌است. برای این کار، نمونه‌ی ۸۸ نفری از آموزگاران زن- همسر دار که دست‌کم چهار سال پیشینه‌ی آموزش در پایه‌ی چهارم دبستان داشتند (۴۴ نفر از مدرسه‌های دخترانه و ۴۴ نفر از مدرسه‌های پسرانه) در شهر تهران گزیده‌شدند. داده‌های پژوهش با پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گرساخته گردآوری شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که کنش‌ورزی‌های کلاسی میان دانش‌آموزان و آموزگاران، جدا از نگرش‌ها و انتظارات آموزگاران نیست. ۵۶/۸ درصد از آموزگاران بازگو کردند که شیوه‌ی درس دادن خود را بر پایه‌ی جنسیت دانش‌آموزان تغییر می‌دهند و ۸۷/۵ درصد آن‌ها بر این باور بودند که دختران و پسران باید شغلی در خور جنسیت خود برگزینند.

کلیدواژه‌ها: جنسیت؛ روش کلاس‌داری؛ تعامل دانش‌آموز و آموزگار؛

پیش‌گفتار

الوین تافلر^۱، از اندیشه‌مندان زمان ما، بر این باور است که در دنیای نوین، آینده از دگرگونی‌های سریع فن‌آوری و روزآمدی فزاینده‌ی دانش، عامل تعیین‌کننده نه زور و پول، که نیروی اندیشمندگی است. در این میان، باور داشتن اندیشه و آفریننده‌گی در میان زنان و مردان بسیار حیاتی است. تلاش زنان و مردان در گستره‌ی جامعه، توان کوشش‌های همه‌گانی را پدید می‌آورد که به گسترش برنامه‌های سازنده‌گی در کشور کمک می‌کند. از این رو، در شمار نیآوردن توانایی‌های اندیشه‌گی و عملی زنان، جامعه را از توانایی نیمی از جمعیت کشور بی‌بهره می‌سازد. اتکای صرف بر کارکرد مردان در جامعه، کشور را به سرفرازی و بالنده‌گی رهنمون نمی‌سازد. برای دستیابی به هدف بهره‌گیری از توانایی‌های زنان و مردان باید فرهنگ‌سازی کرد و فرهنگ‌سازی یعنی نگاه و نگرشی ویژه داشتن به آموزش و پرورش.

روی‌کردی که افراد بر پایه‌ی آن پژوهش می‌کنند، بسیار فراوان برخاسته از داده‌های فرهنگی است. در کنشی دوسویه، افراد خود پدیدآورنده‌ی داده‌هایی در فرهنگ اند. در چنین فرآیندی داد و ستدی، فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌سازی نمود می‌یابد. به هر رو، می‌توان گفت که فرهنگ پنجره‌ئی است که افراد از میان آن به نگرش می‌پردازند. در آموزش و پرورش، به سان فرآورده‌ئی فرهنگی، نگرش آموزگاران و جنسیت دانش‌آموزان می‌تواند در پدیدآیی فعالیت‌هایی ویژه اثرگذار باشد. روش کلاس‌داری آموزگار را می‌توان در دسته‌ی فرآورده‌های برآمده از فرهنگ دانست.

نگرش سنتی جامعه‌های گوناگون به جنسیت، زنان را در مقایسه با مردان، از بسیاری از دگرگونی‌ها همچون دگردیسی‌های فن‌آوری بیگانه و دور داشته‌است. در همه‌ی لایه‌های جامعه، و به‌ویژه در کلاس‌های درس، به‌روشنی دیده و دریافت می‌شود که آموزگاران، حتی آموزگاران زن، با نگرش‌های سنتی خود به جنسیت که ریشه در باورهای برخاسته از فرهنگ دارد، با دانش‌آموزان دختر به گونه‌ئی دیگر رفتار می‌کنند. رفتارهای آموزگاران با دختران سبب می‌شود آنان شرایط کلاس و شیوه‌ی اداره‌ی آن را ناهم‌سان با کلاس‌های پسران بدانند؛ به گونه‌ئی که برداشت‌های سنتی از نقش زنان تأیید شود (الپر^۲، ۱۹۹۳).

برای روش کلاس‌داری تعریف‌های بسیاری آمده‌است که در بیش‌تر این تعریف‌ها بر فرآیند یادگیری/آموزش، چه‌گونه‌گی برپایی نظم در کلاس درس، شیوه‌ی تشویق و تنبیه، و مانند این‌ها تأکید شده‌است. برای نمونه، آفازاده و فضلی روش کلاس‌داری را، «مجموع

1. Alvin Toffler
2. Alper, J.

پیش‌بینی‌ها و روندهای ضروری برای ایجاد و حفظ محیطی که در آن یادگیری-یاددهی به وقوع می‌پیوندد^۱، تعریف می‌کنند (آقازاده و فضل، ۱۳۸۴:۱۰۲). وی‌لر و دوایل^۱ (۲۰۰۰) روش کلاس‌داری را افزایش رفتار مطلوب و پدیدآوری محیط یادگیری اثربخش تعریف می‌کنند. آنان بر این باور اند که جنسیت، به جز اثرپذیری از عوامل زیست‌شناختی، از نگرش‌های موجود در فرهنگ‌های متفاوت نیز اثر می‌پذیرد. نگرش‌ها، پندارهای قالبی، و دیدگاه‌های سنتی درباره‌ی نقش و جایگاه زن و مرد، سوگیری‌هایی ویژه در نظام‌های آموزشی پدید می‌آورد. شیوه‌ی کلاس‌داری آموزگاران هم، به سان کنشی از کنش‌های نظام آموزشی، از جنسیت دانش‌آموزان اثر می‌گیرد. آموزگاران بنا به جنسیت دانش‌آموزان، روش‌های تنبیه و تشویق، و شیوه‌ی رفتار و کنش خود را سازمان‌دهی می‌کنند. پاسخ‌گویی‌ها و نمونه‌هایی که آموزگاران در کلاس برای روشن ساختن آموختنی‌ها به کار می‌گیرند هم، از سوگیری جنسیتی اثر می‌پذیرد.

به هر رو، نگرش و جهان‌بینی آموزگار به خود و جایگاه فرد در جامعه، بر شیوه‌ی کلاس‌داری او اثر می‌گذارد و این پیش‌انگاره‌ی بنیادی است که پذیرفته می‌شود. برای نمونه، آموزگاری که توانایی دختران را کم‌تر از پسران می‌داند، هم‌سو با باور خود، انتظاراتی کم‌تری از دختران دارد. چنین کنشی از سوی آموزگار، سبب می‌شود وی در دادن تکلیف، میزان ترغیب دانش‌آموزان و کنش‌ورزی‌های کلاسی معطوف به یادگیری تکلیف‌های درسی، آسان‌گیر شود. اندرسن و کلاتزکی^۲ (۱۹۸۷) در پژوهشی نشان دادند که هر چه انتظار آموزگار از دانش‌آموزان بیش‌تر باشد، یادگیری دانش‌آموزان نیز بیش‌تر خواهد شد و داشتن انتظار اندک، درمانده‌گی آموخته‌شده را در شاگردان تقویت می‌کند.

پژوهش تی‌بر^۳ (۱۹۹۲) درباره‌ی دستیابی دختران و پسران به ابزارهای آموزشی، نشان داد که پسرها بیش از دخترها ابزارهای آموزشی را در درس‌ها به کار می‌گیرند و این دست‌رسی نابرابر را آموزگاران پدید می‌آورند. به‌کارگیری منابع و فرصت‌های آموزشی برابر، در بالا رفتن اعتمادبه‌نفس و کارکرد دانش‌آموز بسیار سودمند است. برای نمونه، در پژوهش جونز و ویتلی^۴ (۱۹۹۰) در باره‌ی جایگاه آموزگاران در برانگیختن دختران برای نام‌نویسی در دو درس رده‌های بالای علوم، نشان داد که موفقیت در درس علوم ارتباطی مستقیم و معنادار با دستیابی به ابزارهای آموزشی دارد.

از دیگر عواملی سازنده‌ی روش کلاس‌داری آموزگار، تقویت دانش‌آموز و توجه آموزگار به او است. دانش‌آموزی که از سوی آموزگار تقویت می‌شود و آموزگار توجهی ویژه به او

1. Weiller, K. H., & Doyle, E. J.

2. Andersen, S. M., & Klatzky, R. L.

3. Taber, K. S.

4. Jones, M. G., & Wheatley, J.

دارد، موفقیت‌های اجتماعی و آموزشی فراوانی خواهدداشت. بی‌گمان، یکی از عوامل پدیدآورنده‌ی تلاش و پشت‌کار، باور فرد از خود است. این باورها با رفتار آموزگار ساخته‌می‌شود و تلاش‌های آینده‌ی دانش‌آموز را تضمین می‌کند. دانش‌آموز توجه آموزگار به خود را نشانه‌ی اهمیت داشتن خود می‌گیرد و این احساس در او پدید می‌آید که شایسته‌گی توجه دیگران را دارد، و بدین سان اعتمادبه‌نفس می‌یابد (سوان، ۱۹۹۲).

الپر (۱۹۹۳) دریافته‌است که در آموزش و پرورش کودکان، کمابیش برای پسران زمان بیش‌تری گذاشته‌می‌شود. پژوهش *تویاس*^۲ (۱۹۹۲) نیز نشان می‌دهد که در کلاس علوم توجه فردی آموزگاران به دختران از پسران کم‌تر است.

پژوهش‌ها نشان داده‌است که شرکت فعال پسران در آزمایشگاه و کلاس درس علوم از دختران بیش‌تر است و این به دلیل توجه بیش‌تر آموزگاران به پسران بوده‌است. برای نمونه، *باسو*^۳ (۱۹۹۸) گزارش داد که بررسی‌هایش در کلاس‌های شیمی نشان می‌دهد که واکنش آموزگاران به سخن گفتن بی‌اجازه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر یک‌سان نبوده‌است. هنگامی که پسران بی‌اجازه چیزی می‌گفتند، برخورد آموزگار دوستانه و مؤید توجه و انتظار شرکت آن‌ها در گفتار کلاسی بود؛ اما زمانی که دخترها بی‌اجازه چیزی می‌گفتند با خرده‌گیری آموزگار روبه‌رو می‌شدند.

در واقع، آموزگاران چشم‌داشت‌ها و انتظارهای خود را با تشویق و تنبیه، یا خرده‌گیری نشان می‌دهند. هنگامی که آموزگاران انتظار بیش‌تری از دانش‌آموزان داشته‌باشند، آن‌ها را بیش‌تر تشویق می‌کنند یا بیش‌تر از آنان خرده می‌گیرند. بدین سان، دانش‌آموز کارکرد بهتری در کلاس درس از خود نشان می‌دهد.

سادکر، سادکر، و کلین^۴ (۱۹۹۱)، با بررسی بیش از صد کلاس درس در پایه‌ی چهارم، ششم، و هشتم، دریافته‌اند که در هر سه پایه، دانش‌آموزان پسر بیش از دختران درگیر کنش‌ورزی بودند و آموزگاران به آنان بیش‌تر از دانش‌آموزان دختر توجه داشتند. هم‌چنین، دانش‌آموزان پسر بیش از دختران تشویق و تنبیه می‌شدند.

انتظارهای آموزگار از توانایی دانش‌آموزان بر پیش‌رفت تحصیلی آنان نیز تأثیر دارد. بدین سان که پیش‌گویی آموزگار از کارکرد دانش‌آموز، اندک‌اندک بر کارکرد او اثر می‌گذارد و سرانجام جامه‌ی واقعیت می‌پوشد (کدیور، ۱۳۷۲). به سخن دیگر، کارکرد بهتر دانش‌آموزان چیزی فراتر از انتظارهای آموزگاران از آن‌ها نبوده‌است.

1. Swann, J.

2. Tobias, S.

3. Basow, S. A.

4. Sadker, M. P., Sadker, D. M., & Klein, S.

بررسی بسیاری از کلاس‌ها نشان داده‌است که رفتار آموزگاران نیز با دانش‌آموزانی که از آنان انتظار بیش‌تری دارند متفاوت است (یاسایی، ۱۳۷۲). سادکر و سادکر^۱ (۱۹۹۵) در بررسی پیش‌رفت ریاضی و تفاوت‌های جنسیتی دریافتند که در دوران دبستان، کارکرد دختران در ریاضی بهتر از پسران بود، اما در دوران دبیرستان، کارکرد پسران در ریاضی بهتری بود و بیش‌تر به این رشته گرایش نشان می‌دادند. پژوهش‌گران ریشه‌ی این دگرگونی را یک‌سان نبودن انتظار آموزگار در درس ریاضی از دانش‌آموزان دختر و پسر دانسته‌اند.

لی، لوب، و مارکز^۲ (۱۹۹۵) نقش متغیرهای فرهنگی و اجتماعی را در ناهم‌سانی‌های آموزشی دختران و پسران بررسی کردند و هم‌بسته‌گی، پیدایش، ناهم‌سانی دختران و پسران را در درس‌های مختلف با نگرش‌های اجتماعی معنادار و مستقیم یافتند. پژوهش‌گران ریشه‌ی ناکامی و ناتوانی زنان را در تحصیل، در برابر مردان، تنها در کاستی آن‌ها در تجربه‌های آموزشی دانستند.

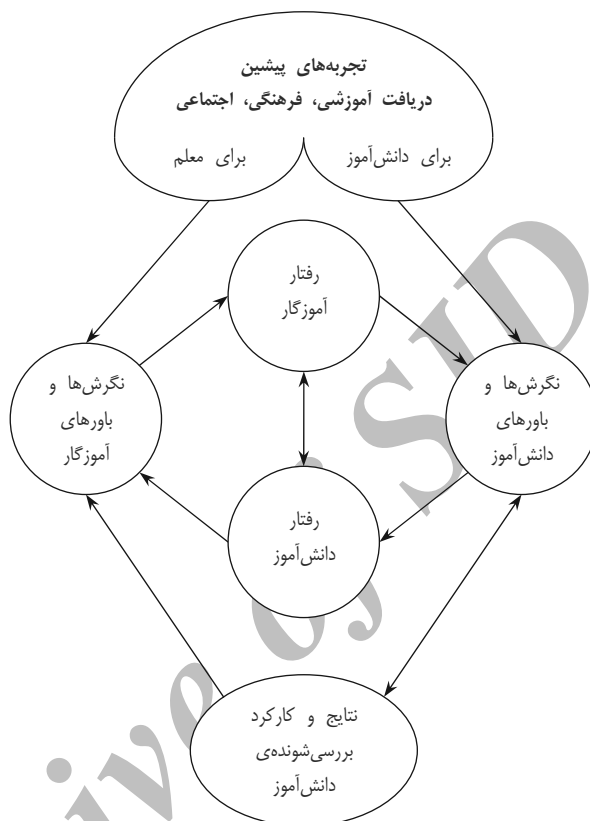
آموزگار به سان عضوی از جامعه، بی‌گمان از فرهنگ چیره‌ی جامعه‌ئی که در آن زنده‌گی می‌کند تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، پنداشت‌های قالبی درباره‌ی آموزش زنان، نقش‌های جنسیتی که جامعه از زن و مرد انتظار دارد، نگرش‌های موجود درباره‌ی توانایی دختران و پسران و میزان موفقیت آن‌ها در رشته‌های مختلف تحصیلی و مشاغل مختلف، پنداره‌های آموزگار را می‌سازد. بنابراین، نمی‌توان روش کلاس‌داری آموزگار را جدا از نگرش‌ها و انتظارهای او دانست. از سوی دیگر، نگرش‌ها و باورهای آموزگار که بر روی هم رفتارهای کلاسی او را می‌سازد، به گونه‌ئی آشکار در موفقیت دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. به سخن دیگر، موفقیت دانش‌آموز در یادگیری بسته‌گی فراوانی به چه‌گونه‌گی برهم‌کنش دانش‌آموز و آموزگار دارد.

کال و هم‌کاران^۳ (۱۹۹۳) با ارائه‌ی نمودار ۱ که نشان‌دهنده‌ی کنش‌ورزی دانش‌آموز و آموزگار است، نشان می‌دهد که تجربه‌های پیشین آموزگار و دانش‌آموز بر نگرش‌ها، باورها، و نقش‌های متفاوتی که هر دو می‌پذیرند، تأثیر می‌گذارد. تأثیر چنین نگرش‌هایی در کارکرد یادگیرنده، در زنده‌گی تحصیلی-کاری‌اش نیز نشان می‌دهد که نگرش‌ها و باورهای آموزگار به جنسیت دانش‌آموز، با رفتار کلاسی آموزگار، هم‌چون تقویت‌ها و فرصت‌های یادگیری پیوندی مستقیم دارد. هم‌چنان که رفتارهای کلاسی آموزگار، نگرش‌ها، اعتمادبه‌نفس، و آرزوهای دانش‌آموز را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، نگرش‌های به‌دست‌آمده‌ی دانش‌آموز به خود نیز، در رفتارش در کلاس درس بازتاب می‌یابد و این احساس به خود، با رفتار آموزگار در کلاس کنشی دوسویه خواهدداشت.

1. Sadker, M. P., & Sadker, D. M.

2. Lee, V. E., Loeb, S., & Marks, H. M.

3. Kahle, J. B., Parker, L. H., Rennie, L. J., & Riley, D.



نمودار ۱- ارتباط میان آموزگار و دانش‌آموز

هم‌چنان که در نمودار دیده‌می‌شود، رفتار آموزگار و نگرش او با رفتار دانش‌آموز و نگرش او چرخه‌ئی بسته می‌سازد. اگر نگرش‌ها و باورهای آموزگار به نقش‌های جنسیتی-تحصیلی سنتی باشد، رفتار و روش کلاس‌داری او نیز بر چنین نگرشی پایه‌گذاری خواهدشد. برای نمونه، اگر آموزگار بر این باور باشد که توانایی‌های دختر و پسر یکسان نیست و بهتر است پسرها در رشته‌های فنی و ریاضی، و دخترها در زمینه‌ی زبان و هنر تحصیل کنند، بی‌گمان این نگرش او سبب می‌شود که با دانش‌آموزان دختر به گونه‌ئی دیگر رفتار کند و انتظاراتی دیگری از آنان داشته‌باشد و سرانجام این باور را در دانش‌آموزان دختر پدید آورد و نیرو دهد که، برای نمونه، در رشته‌های فنی موفق نخواهندبود. بنیاد چنین اندیشه‌ی سنتی بر بی‌هودگی آموزش دختران است و این که چون پسران نان‌آور خانواده اند، باید پرورش و آموزش آن‌ها در این راستا باشد.

کال و هم‌کاران (۱۹۹۳) در پژوهش یادشده درباره‌ی تأثیر عوامل فرهنگی و پیرامونی بر تفاوت‌های جنسیتی در آموزش علوم و ریاضی، دریافته‌اند که تفاوت‌های آغازین دختر و پسر در علوم و ریاضی بر اثر متغیرهای فرهنگی جامعه و مدرسه است. به سخن دیگر، خانواده و مدرسه جامعه‌های آغازین کودک به شمار می‌آید؛ جامعه‌هایی که کودک در آن‌ها رفتارها و نقش‌های بسیاری را با تماشای پیرامونیان خود می‌آموزد. برای نمونه، نگرش خانواده و مربیان مدرسه به گزینش رشته‌ی تحصیلی و شغلی، بر نگرش‌های کودک تأثیر می‌گذارد.

دوئک و ورتمن^۱ (۱۹۸۲) در پژوهش خود نشان دادند که استنادهای افراد درباره‌ی پیروزی یا شکست بر رفتارشان تأثیر می‌گذارد. بر پایه‌ی این نگره، افراد کارکردشان را به چهار عامل توانایی، تلاش، دشواری تکلیف، و بخت وابسته می‌دانند. آن که پیروزی خود را به عواملی درونی همچون توانایی یا تلاش وابسته می‌داند، احتمالاً در کارهای آینده‌ی خود بیش‌تر تلاش می‌کند؛ اما کسی که پیروزی خود را به عواملی بیرونی مانند بخت وابسته می‌داند، به توانایی‌های خود چندان باور نخواهد داشت. به سخن دیگر، آنان که شکست‌شان را از تلاش نکردن‌شان می‌دانند، برای دستیابی به پیروزی در آینده بیش‌تر تلاش می‌کنند؛ و کسانی که شکست خود را به بهانه‌های بیرونی وابسته می‌سازند، بیش‌تر احساس درمانده‌گی می‌کنند و کم‌تر در پی کوشش و تلاش اند.

سادکر و سادکر (۱۹۹۵) در بررسی اعتمادبه‌نفس کم دختران در ریاضی، دریافته‌اند که نمره‌ی دختران در ریاضی در برابر پسران نشان‌دهنده‌ی اعتمادبه‌نفس کم‌تر آنان در این زمینه است، حتا زمانی که هر دو پیش‌رفتی هم‌سان دارند.

جونز و ویتلی (۱۹۹۰) نگرش دختران را به درس ریاضی چنین برشمرده‌اند:

۱- دختران ریاضی را از نقش‌های پسرانه می‌دانند و این باور نگرش آنان را به پیش‌رفت در ریاضی منفی می‌سازد.

۲- دختران الگوهای کم‌تری از زنان ریاضی‌دان یا کارشناس در علوم ریاضی دارند و همین گرایش آنان را به این رشته کم کرده‌است.

۳- تفاوت‌های جنسیتی در پیش‌رفت ریاضی و درس‌های دیگر، به جنبه‌های گوناگونی از برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی آموزشی و مدرسه مربوط می‌شود.

کال و هم‌کاران (۱۹۹۳) در بررسی نگرش‌های دانش‌آموزان به درس علوم دریافته‌اند که دانش‌آموزان در هر دو کشور آمریکا و استرالیا علاقه‌ی زیادی به علوم نشان می‌دهند؛ اگر چه این علاقه به علوم در دختران و پسران یکسان بود، ولی این به گونه‌ئی با هم

1. Dweck, C. S., & Wortman, C. B.

تفاوت داشت. در رشته‌های گوناگون علوم، پسران بیش‌تر به رشته‌ی برق، و دختران بیش‌تر به رشته‌های گیاه‌شناسی و جانوری گرایش داشتند. پژوهش‌گران هم‌چنین گزارش کردند که:

۱- پسران وضع‌شان را در یادگیری علوم خوب دانسته‌اند؛ اما دختران گفته‌اند که در این زمینه استعداد ندارند، و نداشتن اعتمادبه‌نفس، در بسیاری از پاسخ‌های دختران هویدا بود.

۲- نگرش آموزگار بر رفتار آموزگار، و رفتار آموزگار بر نگرش‌ها، باورها، و گرایش‌های دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد.

۳- نگرش و حساسیت جنسیتی آموزگار بر خودپنداره‌ی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد.

گولدبرگ^۱ (۱۹۶۸) در پژوهش خود از چند دختر دانش‌جو خواست تا چند نوشتار علمی را بخوانند و آن‌ها را ارزیابی کنند. برای چند تن از دانش‌جویان، نویسنده‌گان برخی نوشتارها مرد بود، و برای دانش‌جویان دیگر نویسنده‌گان همان نوشتارها زن بود. دانش‌جویان دختر، ارزش نوشتارهای نویسنده‌گان مرد را بالاتر از نوشتارهای زنان شمردند. به سخن دیگر، زنان خود را فرودست مردان و آثار خود را پست‌تر از آثار مردان می‌دانستند.

در این پژوهش در پی آن ایم که اثر جنسیت دانش‌آموز را بر روش کلاس‌داری آموزگار روشن سازیم. در واقع، در این پژوهش تلاش می‌کنیم شیوه‌ی اثرگذاری جنسیتی را بر رفتار کلاس‌داری آموزگاران بررسی کنیم. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش روشن‌گر راه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش باشد و زمینه‌ئی برای فراهم‌آوری راه‌کارهایی برای دوری جستن از سوگیری‌های جنسیتی بنیان‌گذارده بر داده‌های سنتی برآمده از فرهنگ پدید آورد.

بازنگری در نظام آموزشی زنان در ایران، گامی برای دور نگاه داشتن زنان از تعصب‌های جنسیتی و بازسازی نظام آموزشی خواهدبود تا بتواند پندارها و نگرش‌ها را بر پایه‌ئی درست و در خور جایگاه زن پی‌ریزی کند. بی‌گمان، افزایش مشارکت زنان در آموزش، برابری آموزش زنان و مردان، پرورش آموزگاران که در برابر تعصب‌ها و نابرابری‌های جنسیتی حساس باشند و بتوانند نگرش‌های کنونی را دگرگون سازند و برابری امکانات شغلی، همه‌گی زمینه‌های مناسب را برای مسئولیت‌پذیری زنان در چارچوب خانواده و جامعه فراهم خواهدساخت.

پرسش‌های پژوهش

در چارچوب این پژوهش، برای بررسی اثرگذاری جنسیت دانش‌آموزان بر روش کلاس‌داری آموزگار، پرسش‌های زیر آمده‌است:

- ۱- آیا روش کلاس‌داری آموزگاران از انتظارات‌های جامعه از دختران و پسران اثر می‌پذیرد؟
- ۲- آیا روش تنبیه و تشویق آموزگار در کلاس، با جنسیت دانش‌آموز متناسب است؟
- ۳- آیا آموزگاران به دانش‌آموزان بنا به جنسیت‌شان مشاغلی ویژه پیشنهاد می‌کنند؟
- ۴- آیا آموزگاران برپایی نظم را در کلاس دختران آسان‌تر از کلاس پسران می‌دانند؟

روش پژوهش

جامعه و نمونه‌ی آماری و شیوه‌ی نمونه‌گیری

در این پژوهش ۸۸ آموزگار شرکت داشتند که ۴۴ تن آن‌ها آموزگار پسران و ۴۴ تن آموزگار دختران بودند. دامنه‌ی سنی نمونه‌های پژوهش که همه‌گی همسر داشتند ۲۵ تا ۵۴ سال، مدرک تحصیلی آن‌ها دیپلم تا لیسانس، و پیشینه‌ی کاری آن‌ها ۵ تا ۲۵ سال بود. همه‌گی این آموزگاران در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ در پایه‌ی چهارم دبستان مشغول به تدریس بودند.

برای یافتن نمونه‌های آماری به پرسش‌های پژوهش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ی چندمرحله‌ی به کار رفت. برای گزینش نمونه‌ی پژوهش، شش منطقه (۲، ۵، ۷، ۱۱، ۱۵، و ۱۹)، و از هر منطقه چهار دبستان پسرانه و چهار دبستان دخترانه که آموزگاران زن داشتند به روش تصادفی گزیده‌شد. سپس، نمونه‌ی بررسی، یعنی آموزگاران زن همسر دار در پایه‌ی چهارم دبستان گزیده‌شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌های بررسی با پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گرا ساخته بر پایه‌ی چارچوب نظری گردآوری شد. این پرسش‌نامه دو بخش دارد، که بخش نخست درباره‌ی شناسه‌های آزمودنی است و بخش دوم با ۲۰ پرسش باز، نگرش آموزگاران را درباره‌ی پرسش‌های پژوهش می‌سنجد. روایی آزمون را سه کارشناس در این زمینه تأیید کردند و پایایی پرسش‌نامه با کمک یک نمونه‌ی ۳۰ نفری و با روش بازآزمایی ۰/۸۲ برآورد شد. هم‌چنین سازگاری دو کدگذار یا تجمع در نمره‌گذاری و تحلیل پرسش‌نامه‌ها ۰/۷۸ بوده‌است.

محورهای پرسش‌نامه در پژوهش چنین بود: نگرش آموزگاران به شغل خود؛ احساس زن بودن در جامعه؛ انتظارات‌های آموزگاران از فرزندان‌شان در شغل‌گزینی؛ ارتباط جنسیت با نمونه‌آوری‌های آموزشی؛ روش آموزش؛ روش پرسش و پاسخ و برنامه‌ی درسی؛ روش تنبیه و تشویق؛ پندار دانش‌آموزان درباره‌ی جنسیت‌شان؛ و روش برپایی نظم در کلاس.

روش تجزیه و تحلیل

از آن‌جا که این پژوهش از دسته‌ی پژوهش‌های کیفی با پرسش‌نامه‌ی باز بود، روش پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه با گفت‌وگوی عمیق و باز^۱ انجام شد. بنابراین، در تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه، روش کیفی^۲ با به‌کارگیری آرایه‌هایی که برای این کار فراهم آمده‌بود، استفاده شد. ناگفته نماند چون که پرسش‌نامه‌ها باز بود، تنها برخی از داده‌های گردآوری شده از آموزگاران در جدول‌ها آمده‌است.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش با ۸۸ نفر از آموزگاران همسرदार پایه‌ی چهارم دبستان انجام شد و یافته‌های پژوهش در جدول‌های آینده نشان آمده‌است.

۱- آیا روش کلاس‌داری آموزگاران از انتظارهای جامعه از دختران و پسران اثر می‌پذیرد؟

همچنان که در جدول ۱ آمده‌است، ۵۵/۶۸ درصد آموزگاران بازگو کرده‌اند که انتظارات جامعه از پسران در روش کلاس‌داری آموزگار تأثیر دارد.

جدول ۱- تاثیر انتظارات جامعه از پسران در روش کلاس‌داری آموزگاران

گروه	پرسش	۶- آیا انتظارات جامعه از پسران، به عنوان محور اصلی خانواده، در روش کلاس‌داری شما تأثیر دارد؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		نه؛ ربطی ندارد.	۱۵	۱۷/۰۵٪
		بله؛ زیرا پسران بعدها باید باری از دوش خانواده بردارند. بنابراین، باید آن‌ها را نیرومند بار آوریم. برای همین، در کلاس با آن‌ها با خشونت و جدی برخورد می‌شود و به آن‌ها احساس مسئولیت و پشت‌کار می‌آموزیم.	۲۵	۲۸/۴۱٪
		در کلاس تلاش می‌شود منطق اندیشه‌سالاری باشد نه جنسیت‌سالاری.	۴	۴/۵۵٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		بله؛ باید با پسران برخورد جدی و باثبات داشت تا از این راه آن‌ها را با وظایف آینده‌شان آشنا کنیم. باید مدیریت و برنامه‌ریزی را از همین حالا به آن‌ها آموخت.	۲۴	۲۷/۳۷٪
		نه؛ زیرا وظیفه‌ی من تدریس است و به نظرم دختران نیز می‌توانند محور اصلی خانواده باشند.	۸	۹/۰۹٪
		آن‌ها به عنوان اداره‌کننده‌ی خانواده در آینده باید در کارهای مدرسه و انجام تکالیف برنامه داشته‌باشند تا آن‌ها تقویت شوند.	۱۲	۱۳/۶۴٪
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

1. In-Depth and Open-Ended Interview
2. Qualitative Method

هم‌چنان که در جدول ۲ دیده‌می‌شود، ۵۷/۹۵ درصد آموزگاران بازگو کرده‌اند که انتظارات‌های جامعه از پسران در روش کلاس‌داری آموزگار تأثیر دارد.

جدول ۲- تاثیر انتظارات‌های جامعه از دختران در روش کلاس‌داری آموزگاران

گروه	پرسش	۷- آیا انتظارات‌های جامعه از دختران، در روش کلاس‌داری شما تأثیر دارد؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	نه؛ ربطی ندارد.		۱۶	۱۸/۱۸٪
	بله؛ باید به خاطر روح حساس دختران با آن‌ها عاطفی برخورد کرد؛ زیرا آن‌ها مانند گل لطیف اند. از سویی، دختران از نظر جنسیت ضعیف اند.		۲۸	۳۱/۸۲٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	بله؛ باید به عاطفی بودن دختران توجه داشت و با آن‌ها نرم‌تر برخورد کرد و نقش آن‌ها را به عنوان مادران آینده یادآور شد.		۳۳	۲۶/۱۴٪
	نه؛ روش تدریس ربطی به جنسیت ندارد.		۸	۹/۰۹٪
	نه؛ تأثیر ندارد.		۱۳	۱۴/۷۷٪
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

هم‌چنان که در جدول ۳ دیده‌می‌شود، ۶۸/۱۸ درصد آموزگاران بازگو کرده‌اند که جنسیت دانش‌آموزان در روش کلاس‌داری آموزگار تأثیر دارد.

جدول ۳- تاثیر جنسیت بر نمونه‌آوری آموزگاران در آموزش

گروه	پرسش	۹- آیا برای دریافت بهتر درس نمونه‌هایی می‌آورید که با جنسیت دانش‌آموز سازگار باشد؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	بله؛ گر چه این کار در همه‌ی درس‌ها شذنی نیست. برای نمونه، بیش‌تر در درس تعلیمات اجتماعی این کار انجام می‌شود.		۳۸	۴۳/۱۸٪
	خیر؛ زیرا دروس در این پایه ربطی به جنسیت ندارد.		۶	۶/۸۲٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	بله؛ هم‌هنگ با درس‌ها، برای آن‌ها نمونه‌های مناسب آورده می‌شود.		۳۲	۲۵/۰۰٪
	نمونه‌ها در حد تغییر اسم‌ها استفاده می‌شود.		۱۹	۲۱/۵۹٪
	نه؛ زیرا کنج‌کاوی آن‌ها را بیش‌تر برمی‌انگیزد.		۳	۳/۴۱٪
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

در جدول ۴ دیده‌می‌شود که آموزگاران در توصیف دانش‌آموزان دختر بیش‌تر به حرف‌شنو بودن آن‌ها (۲۰/۴۵ درصد) و درباره‌ی پسران، بیش‌تر به احساس مردانه بودن و برتری داشتن آن‌ها (۳۱/۸۲ درصد) اشاره کرده‌اند.

۳۶/۸۶ درصد آموزگاران دبستان‌های دخترانه می‌پندارند که دخترها درباره‌ی جنسیت خود احساسی خوش‌آیند دارند؛ ۸۸/۶۴ درصد از آموزگاران دبستان‌های پسرانه نیز می‌پندارند که پسرها درباره‌ی جنسیت خود احساسی ناخوش‌آیند دارند.

جدول ۴- دیدگاه آموزگاران درباره‌ی پندار دانش‌آموزان درباره‌ی جنسیت‌شان

گروه	پرسش	۱۳- به نظر شما دانش‌آموزان چه پنداره‌ی درباره‌ی جنسیت خود دارند؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		می‌دانند دختر اند و باید حرف‌ش‌نو باشند و این برآمده از تلقین‌های بزرگ‌ترها است.	۱۸	۲۰/۴۵٪
		احساس منفی دارند و این به خاطر برخوردهای خانواده است. زیرا اگر خانواده فرقی نگذارد این احساس‌های منفی پیش نمی‌آید.	۱۲	۱۳/۶۴٪
		شاد و سر حال اند و کلاً احساس خوبی درباره‌ی فردا دارند. زیرا می‌توانند سودمند و مسئولیت‌پذیر باشند و در یادگیری مشکل ندارند.	۶	۶/۸۲٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		دوست دارند در جایگاه پسرها باشند.	۸	۹/۰۹٪
		احساس غرور، مرد بودن، بزرگی و قوی بودن دارند.	۲۸	۳۱/۸۲٪
		احساس بی‌پاک بودن و غیرتی بودن دارند.	۱۱	۱۲/۵۰٪
	به خاطر سن کم عالم خوش زنده‌گی را می‌گذرانند.	۵	۵/۶۸٪	
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

جدول ۵ نشان‌دهنده‌ی آن است که ۲۳/۸۶ درصد آموزگاران گرایش دارند آموزگار دختران باشند و ۵۹/۰۹ درصد از آموزگاران نیز بیشتر به آموزش پسران گرایش دارند.

جدول ۵- گرایش آموزگاران به جنسیت دانش‌آموزان

گروه	پرسش	۱۴- آیا دوست داشتید دانش‌آموزان‌تان از جنسیت دیگر بودند؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		نه؛ چون ساکت‌تر اند و آسان‌تر می‌توان با آن‌ها کنار آمد.	۱۲	۱۳/۶۴٪
		بله؛ چون پسرها صادق اند و فکر بازتری دارند.	۲۵	۲۸/۴۱٪
		فرقی ندارد.	۷	۷/۹۵٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		نه؛ چون پسرها مودعی‌گری دخترها را ندارند.	۱۲	۱۳/۶۴٪
		نه؛ چون جدی‌تر اند و مطالب را سریع یاد می‌گیرند.	۱۵	۱۷/۰۵٪
		بله؛ چون دخترها منظم‌تر اند و آرام‌تر.	۹	۱۰/۲۳٪
	نه؛ فرقی ندارد و هدف آموزش و پرورش است.	۸	۹/۰۹٪	
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

هم‌چنان که در جدول ۶ دیده‌می‌شود، شیوه‌ی پاسخ‌گویی آموزگاران به پرسش‌های درسی و مسائل حاشیه‌ئی دانش‌آموزان بنا به جنسیت آن‌ها تغییر می‌کند.

جدول ۶- تأثیر جنسیت دانش‌آموزان بر شیوه‌ی پاسخ‌گویی آموزگاران به آنان

پرسش گروه	۱۶- آیا شیوه‌ی پاسخ‌گویی شما به پرسش‌های دانش‌آموزان بنا به جنسیت آن‌ها تغییر می‌کند؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	بله؛ چون هر کدام از دیدگاهی ویژه به مسائل می‌نگرند.	۲۱	۲۳/۸۶٪
	درباره‌ی درس‌هایشان نه؛ چون ربطی ندارد؛ اما درباره‌ی مسائل حاشیه‌ئی شاید.	۲۳	۲۶/۱۴٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	بله؛ زیرا فراگیری مطالب در آن‌ها یکسان نیست و ساختار رفتاری‌شان متفاوت است.	۱۲	۱۳/۶۴٪
	نه؛ پاسخ‌گویی یکسان است؛ ولی برای دریافت بهتر نمونه‌هایی سازگار با جنسیت به کار می‌بریم.	۳۲	۳۶/۳۶٪
جمع		۸۸	۱۰۰/۰۰٪

هم‌چنان که در جدول ۷ دیده‌می‌شود که ۵۶/۸۲ درصد از آموزگاران بررسی‌شده روش تدریس خود را با جنسیت سازگار می‌کنند.

جدول ۷- تأثیر جنسیت دانش‌آموزان بر روش تدریس آموزگاران

پرسش گروه	۱۷- آیا روش تدریس شما بنا به جنسیت دانش‌آموزان دگرگون می‌شود؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	بله؛ چون هر جنسیتی نیازمند روش تدریسی ویژه‌ی خود است.	۱۳	۱۴/۷۷٪
	به روحیه‌ی دانش‌آموزان و میزان فراگیری آن‌ها و سطح طبقاتی آنان بستگی دارد.	۱۴	۱۵/۹۱٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	فرقی نمی‌کند، فقط به نظرم باید نیروی بیشتری صرف کنم.	۸	۹/۰۹٪
	روش برخورد فرق می‌کند؛ نه روش تدریس.	۹	۱۰/۲۳٪
	بله؛ بازی‌های کلاسی و نمونه‌های آموزشی بنا به جنسیت تغییر می‌کند.	۱۳	۱۴/۷۷٪
	بله؛ پسرها اگر چه فعال و پرجنب‌وجوش اند و زمان کم‌تری به درس توجه دارند، ولی زودتر یاد می‌گیرند.	۲۴	۲۷/۲۷٪
	روش تدریس فرق نمی‌کند.	۷	۷/۹۵٪
جمع		۸۸	۱۰۰/۰۰٪

در جدول ۸ دیده‌می‌شود که ۷۲/۷۳ درصد از آموزگاران بر این باور اند که برنامه‌ی درسی باید با جنسیت دانش‌آموزان سازگار باشد.

جدول ۸- تأثیر جنسیت بر برنامه‌ی درسی

گروه	پرسش	۱۸- به نظر شما باید برنامه‌ی درسی بنا به جنسیت دانش‌آموزان تغییر کند؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		برنامه‌ی درسی باید یک‌سان باشد؛ اما برای دریافت مطالب نمونه‌های سازگار با جنسیت آورده‌شود.	۱۷	۱۹٫۳۳٪
		در دوره‌ی دبستان نه؛ ولی در دوره‌های بالاتر بله.	۶	۶٫۸۲٪
		بله؛ در برخی از درس‌ها. بسیار خوب است که در کتاب‌های درسی به زن به اندازه‌ی مرد اهمیت داده‌شود.	۸	۹٫۰۹٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		بهتر است کارهای هنری. سازگار با جنسیت در برنامه‌ی درسی دانش‌آموزان گنجانده‌شود.	۱۳	۱۴٫۷۷٪
		بله؛ زیرا در کتاب‌های درسی به نقش زن چندان توجه نشده‌است.	۶	۶٫۸۲٪
		بله؛ در برخی از درس‌ها؛ آن هم درس‌های دینی.	۱۰	۱۱٫۳۶٪
جمع		بله؛ چون بیشتر خانواده‌ها پس از پایه‌ی پنجم به دختران اجازه‌ی درس خواندن نمی‌دهند، باید کتاب‌ها به گونه‌ی تنظیم شود که دختران بتوانند یک زنده‌گی را اداره کنند.	۱۲	۱۳٫۶۴٪
		بله؛ زمان کارهای عملی باید برای پسران بیشتر باشد و گونه‌های درسی بیشتر باشد.	۹	۱۰٫۲۳٪
		نه؛ ربطی ندارد.	۷	۷٫۹۵٪
			۸۸	۱۰۰٫۰۰٪

هم‌چنان که جدول ۹ نشان می‌دهد، بیشتر آموزگاران شیوه‌ی پرسیدن‌شان را با جنسیت دانش‌آموزان سازگار می‌کنند.

جدول ۹- تأثیر جنسیت دانش‌آموزان بر روش پرسش و پاسخ در کلاس

گروه	پرسش	۱۹- روش پرسش کردن شما بنا به جنسیت تغییر می‌کند؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		بله؛ برای دخترها به خاطر لطافت آن‌ها واژه‌گان مهرآمیز و برای پسران جدی‌تر و دستوری‌تر به کار برده‌می‌شود.	۲۹	۳۳٫۹۵٪
		بله؛ فرق می‌کند. زیرا با این که درس‌ها یک‌سان است، ولی برخورد در شیوه‌ی پرسیدن با دخترها باید متفاوت باشد.	۱۵	۱۷٫۰۵٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		نه؛ فقط نام‌هایی که در مسئله می‌آورم تغییر می‌کند.	۲۰	۲۲٫۷۳٪
		بله؛ برای نمونه، برای پسرها پرسش را کم‌تر تکرار می‌کنم و با تحکم بیش‌تری با آن‌ها برخورد می‌شود.	۱۶	۱۸٫۱۸٪
		نه؛ ربطی ندارد.	۸	۹٫۰۹٪
			۸۸	۱۰۰٫۰۰٪

همچنان که در جدول ۱۰ دیده می‌شود، ۹۰/۹۰ درصد آموزگاران دبستان‌های دخترانه از آموزش به دختران راضی‌اند؛ چون دختران منظم و آرام‌تر اند. همچنین همه‌ی آموزگاران دبستان‌های پسرانه از آموزش پسران لذت می‌برند؛ چون در دیدگاه آن‌ها پسران باهوش‌تر و جدی‌تر اند.

جدول ۱۰- آموزگار دانش‌آموزان دختر و پسر بودن

گروه	پرسش ۸- احساس شما از تدریس به دانش‌آموزان دختر و پسر چه‌گونه است؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	با دختران راحت‌تر ام؛ زیرا دختران منظم‌تر اند و جنب‌وجوش کم‌تری دارند. گر چه دیر یاد می‌گیرند، ولی پشت‌کار دارند. پسرها در برابر دختران یادگیری بالایی دارند، گر چه بیشتر شیطنت می‌کنند.	۳۲	۳۶/۳۶٪
	فرقی ندارد. هدف آموزش است.	۴	۴/۵۵٪
	چون دختران در خانواده‌ها ستم‌دیده‌اند، دلم می‌خواهد با آن‌ها کار کنم.	۸	۹/۰۹٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	از آموزش پسران لذت می‌برم؛ چون منظم‌تر و جدی‌تر اند، گیرایی بالاتری دارند، باهوش‌تر اند، و به آموزگارشان بیشتر مهر می‌ورزند.	۲۹	۳۲/۹۵٪
	با دختران باید زیاد سروکله زد؛ اگر چه حرف‌شنوتر اند، ولی مطالب را دیرتر می‌گیرند.	۱۵	۱۷/۰۵٪
جمع		۸۸	۱۰۰/۰۰٪

۲- آیا روش تنبیه و تشویق آموزگار در کلاس، با جنسیت دانش‌آموز متناسب است؟

در جدول ۱۱ دیده می‌شود که آموزگاران دبستان‌های دخترانه برای تنبیه دانش‌آموزان بیشتر «اخطار» (۱۲/۵۰ درصد) و «بی‌اعتنایی» (۱۸/۱۸ درصد) را به کار می‌گیرند؛ در حالی که در دبستان‌های پسرانه بیشتر از « محروم کردن از زنگ تفریح یا چیزهایی که دوست دارند» (۱۱/۳۶ درصد) و «تهدید شاگرد به فرستادن‌اش به پایه‌ی پایین‌تر» (۱۰/۲۳ درصد) و کم‌تر از «تذکر» یا «قهر و بی‌اعتنایی» استفاده می‌کنند.

جدول ۱۲ نیز نشان می‌دهد که آموزگاران دبستان‌های دخترانه برای تشویق دانش‌آموزان بیشتر از «جایزه دادن» (۱۲/۵۰ درصد) یا «تشویق سر کلاس» (۱۲/۵۰ درصد) استفاده می‌کنند؛ در حالی که آموزگاران دبستان‌های پسرانه بیشتر روش‌های «تعریف و تمجید و بیان کردن کار خوب آن‌ها» (۱۲/۵۰ درصد) و «گفتن جمله‌های تشویق‌آمیز» (۱۰/۲۳ درصد) را به کار می‌برند.

جدول ۱۱- روش تنبیه دانش‌آموزان

گروه	پرسش	۱۰- روش تنبیه دانش‌آموزان توسط شما چه‌گونه است؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	اختیار		۱۱	۱۲/۵۰٪
	بی‌اعتنایی و حرف نزدن		۱۶	۱۸/۱۸٪
	خواستن اولیا		۶	۶/۸۲٪
	نمره ندادن به مشق‌ها و پاسخ نگفتن به پرسش‌ها		۳	۳/۴۱٪
	محروم کردن آن‌ها از چیزهایی که دوست دارند		۷	۷/۹۵٪
	بیرون کردن از کلاس (در نهایت)		۱	۱/۱۴٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	قهر و بی‌اعتنایی		۶	۶/۸۲٪
	تذکر		۵	۵/۶۸٪
	خواستن اولیا		۷	۷/۹۵٪
	کم نمره دادن یا جریمه دادن		۳	۳/۴۱٪
	گذاشتن شاگرد خطاکار در محدودیت اخلاقی		۴	۴/۵۵٪
	محروم کردن از زنگ تفریح یا چیزهایی که دوست دارند		۱۰	۱۱/۳۶٪
تهدید شاگرد به فرستادن‌اش به پایه‌ی پایین‌تر		۹	۱۰/۳۳٪	
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

جدول ۱۲- روش تشویق دانش‌آموزان

گروه	پرسش	۱۱- روش تشویق نمودن دانش‌آموزان توسط شما چه‌گونه است؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	جایزه دادن		۱۱	۱۲/۵۰٪
	مسئولیت دادن (مبصر، انتظامات، تصحیح امل)		۸	۹/۰۹٪
	تشویق سر کلاس		۱۱	۱۲/۵۰٪
	تشویق سر صف		۶	۶/۸۲٪
	کارت آفرین		۴	۴/۵۵٪
	بردن به مکان‌های تفریحی		۳	۳/۴۱٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	بوسیدن آن‌ها		۱	۱/۱۴٪
	کارت تشویق و جایزه		۵	۵/۶۸٪
	معرفی سر کلاس و سر صف		۶	۶/۸۲٪
	تعریف و تمجید و بیان کردن کار خوب آن‌ها		۱۱	۱۲/۵۰٪
	دادن کارت امتیاز		۲	۲/۲۷٪
	گفتن جمله‌های تشویق‌آمیز		۹	۱۰/۳۳٪
جمع	کشیدن دست نوازش بر آن‌ها		۳	۳/۴۱٪
	ندادن مشق شب		۵	۵/۶۸٪
	زمان کوتاهی از کلاس را حق بیرون رفتن دارد		۳	۳/۴۱٪
			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

۳- آیا آموزگاران به دانش‌آموزان بنا به جنسیت‌شان مشاغلی ویژه پیشنهاد می‌کنند؟

هم‌چنان که در جدول ۱۳ دیده می‌شود، ۸۷/۵۰ درصد از آموزگاران نابرابری در شغل‌گزینی متناسب با جنسیت را باور دارند.

جدول ۱۳- شغل‌های مناسب دختران و پسران از دیدگاه آموزگاران

پرسش / گروه	۵- چه شغلی برای دختران و پسران مناسب است؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	برای دختران، آموزگاری و پرستاری (چون از نظر زمانی و جسمی مشکلی برای‌شان پدید نمی‌آورد) و برای پسران کارهای فنی و مهندسی یا شغل آزاد (که درآمد مناسب داشته‌باشد).	۲۹	۳۲/۹۵٪
	شغل ربطی به جنسیت ندارد و علاقه مهم است.	۳	۳/۴۱٪
	برای پسران باید به پایگاه اجتماعی شغل و درآمد مالی آن توجه داشت.	۱۲	۱۳/۶۴٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	کارهای سنگین برای پسران و کارهای ظریف برای دختران.	۹	۱۰/۲۳٪
	برای پسرها رشته‌های فنی، پزشکی، شغل‌های آزاد، و کارهای فعال؛ برای دختران آموزگاری، کارهای هنری، پرستاری، اداری، و کارهای ظریف.	۱۱	۱۲/۵۰٪
	دختران کارهایی برای‌شان مناسب است که به زنده‌گی آینده‌ی آن‌ها آسیب نرساند.	۱۶	۱۸/۱۸٪
	کارهایی که نیازمند تحصیلات عالی باشد و بی‌گمان جنسیت در این کارها دخالت ندارد. البته باید زن‌ها در گزینش شغل به توانایی‌های فیزیکی خود توجه کنند.	۸	۹/۰۹٪
جمع		۸۸	۱۰۰/۰۰٪

جدول ۱۴- سازگاری شغل با جنسیت

پرسش / گروه	۱۲- آیا دختران و پسران باید شغلی سازگار با جنسیت خود برگزینند؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	بله؛ چون زنان افزون بر کار بیرون از خانه، باید عهده‌دار وظایف خانواده نیز باشند؛ ولی مردان محدودیت ندارند.	۲۰	۲۲/۷۳٪
	بله؛ زیرا زنان توان بدنی مردان را ندارند.	۱۷	۱۹/۲۲٪
	نه؛ مگر در کارهای سخت بدنی که برای پسران مناسب‌تر است.	۷	۷/۹۵٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	بله؛ چون به خاطر نیروی بدنی و برخورد بیش‌تر با اجتماع، پسران در گزینش بسیاری از شغل‌ها آزادی بیش‌تری دارند.	۲۹	۳۲/۹۵٪
	در گزینش شغل علاقه مطرح است.	۹	۱۰/۲۳٪
	نه؛ فرقی ندارد.	۶	۶/۸۲٪
	جمع		۸۸

جدول ۱۴ نیز نشان می‌دهد که ۷۵/۰۰ درصد از آموزگاران بر این باور اند که دختران و پسران باید شغلی سازگار با جنسیت خود برگزینند. به سخن دیگر، در زنان باید در شغل‌گزینی مسئولیت درون خانه و توان اجتماعی خویش را در نظر بگیرند؛ در حالی که مردان چنین محدودیتی ندارند.

۴- آیا آموزگاران برپایی نظم را در کلاس دختران آسان‌تر از کلاس پسران می‌دانند؟

جدول ۱۵ نشان می‌دهد که ۶۱/۳۶ درصد از آموزگاران برپایی نظم را در کلاس‌های دختران به خاطر فرمان‌بردار، ترسو، و حساس بودن آن‌ها آسان‌تر می‌دانند.

جدول ۱۵- برپایی آسان‌تر نظم در کلاس بنا به جنسیت

گروه	پرسش است؟	۱۵- برپایی نظم در کدام کلاس (دخترها و پسرها) راحت‌تر است؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه	در کلاس دختران؛ به دلیل حرف‌شنوی، عاطفی بودن، و ترسو بودن آن‌ها	۲۴	۲۷/۲۷٪	
	فرقی ندارد؛ کلاس‌داری آموزگار بسته‌گی دارد.	۹	۱۰/۳۳٪	
آموزگاران دبستان‌های پسرانه	اگر چه پسرها بازی‌گوش‌تر اند، ولی به خاطر گیرایی بالای آن‌ها آموزگار با آن‌ها آسان‌تر برخورد می‌کند. ولی دخترها اگر چه زود ساکت می‌شوند، ولی یادگیری کند آن‌ها آزردهنده است.	۱۱	۱۲/۵۰٪	
	در کلاس دختران؛ چون خیلی حرف‌شنوی دارند.	۱۳	۱۴/۷۷٪	
	دخترها حساس‌تر اند؛ بنابراین به خاطر نیاز به توجه، با کمی ترش‌رویی ساکت می‌شوند.	۱۲	۱۳/۶۴٪	
	دخترها قوانین را بیش‌تر رعایت می‌کنند.	۵	۵/۶۸٪	
جمع	در کلاس پسرها؛ چون به پیروی از قوانین پای‌بند اند.	۶	۶/۸۲٪	
	فرقی ندارد؛ به درایت آموزگار بسته‌گی دارد.	۸	۹/۰۹٪	
		۸۸	۱۰۰/۰۰٪	

یافته‌های جانبی

جدول ۱۶ نشان می‌دهد که ۶۶ نفر (۷۵/۰۰ درصد) از آموزگاران بررسی‌شده در دبستان‌های دخترانه و پسرانه، کار آموزگاری را با علاقه برگزیده‌اند. هم‌چنین، در علاقه‌مندی به کار آموزگاری، اختلاف چندانی میان آموزگاران دبستان‌های پسرانه و دخترانه دیده‌نی‌شود.

جدول ۱۶- نگرش آموزگاران به شغل خود

گروه	پرسش	۱- آیا شغلی آموزگاری را با علاقه برگزیده‌اید؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		بله.	۳۱	۳۵/۲۳٪
		نه.	۷	۷/۹۵٪
		در آغاز علاقه داشتیم؛ ولی به خاطر مشکلات کنونی دیگر انگیزه‌ی پیشین را ندارم.	۴	۴/۵۵٪
		در آغاز نه؛ ولی اکنون بله.	۲	۲/۲۷٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		بله.	۳۳	۳۷/۵۰٪
		در آغاز علاقه‌مند بودم؛ ولی اکنون دیگر علاقه‌ئی ندارم.	۶	۶/۸۲٪
		نه.	۵	۵/۶۸٪
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

جدول ۱۷ نشان می‌دهد است که ۷۶/۱۴ درصد آموزگاران بررسی‌شده، از زن بودن خود احساس اعتمادبه‌نفس و خوشنودی دارند. اما ۲۳/۸۶ درصد آن‌ها از زن بودن خود سرخورده اند یا بی‌توجهی جامعه را گزارش کرده‌اند.

جدول ۱۷- احساس زن بودن در جامعه

گروه	پرسش	۲- به عنوان یک عضو زن، جامعه چه احساسی دارید؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		اعتمادبه‌نفس.	۱۹	۲۱/۵۹٪
		احساس غرور از این که فردی مثبت در جامعه ام.	۸	۹/۰۹٪
		احساس یک زن موفق و مثبت بودن.	۱۲	۱۳/۶۴٪
		تا اندازه‌ئی احساس سرخورده‌گی و این که در جامعه به زن بها نمی‌دهند.	۵	۵/۶۸٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		اعتمادبه‌نفس.	۲۲	۲۵/۰۰٪
		احساس اضطراب و خسته‌گی و تا اندازه‌ئی سرخورده‌گی.	۹	۱۰/۲۳٪
		سودمند بودن و در کل راضی بودن.	۶	۶/۸۲٪
		اجتماع به زنان اهمیت نمی‌دهد و از نابرابری‌ها ناراحت می‌شوم که به خاطر دید سنتی جامعه است.	۷	۷/۹۵٪
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

همچنان که در جدول ۱۸ دیده‌می‌شود، در پاسخ به این پرسش که انتظار شما از فرزندان‌تان در گزینش رشته‌ی تحصیلی چیست، ۶۰/۲۲ درصد از آموزگاران بر این باور اند که فرزندان‌شان باید رشته‌ی تحصیلی خود را سازگار با جنسیت‌شان برگزینند.

جدول ۱۸- انتظاراتی آموزگاران از فرزندان‌شان در گزینش رشته‌ی تحصیلی

گروه	پرسش	۳- انتظار شما از فرزندان‌تان در گزینش رشته‌ی تحصیلی چیست؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		در گزینش رشته آزاد اند و علاقه و کشش خودشان مطرح است.	۱۰	۱۱/۳۶٪
		بر اساس استعدادشان می‌توانند آینده‌شان را انتخاب کنند.	۵	۵/۶۸٪
		رشته‌های درسی باید برای پسران و دختران متفاوت باشد.	۱۳	۱۴/۷۷٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		برای پسران رشته‌های فنی و مهندسی؛ و برای دختران رشته‌های دبیری.	۱۶	۱۸/۱۸٪
		علاقه و کشش خودشان مطرح است	۷	۷/۹۵٪
		در گزینش رشته باید به نیاز جامعه و شرایط خودشان بنگرند.	۱۱	۱۲/۵۰٪
		برای دختران رشته‌های دبیری، پرستاری، و علوم اجتماعی؛ و برای پسران رشته‌های مکانیک و فنی.	۲۴	۲۷/۲۷٪
		رشته‌ی تحصیلی را خودشان باید برگزینند و ما فقط آن‌ها را راهنمایی می‌کنیم؛ یعنی وظایف آینده‌ی پسران و مشکلات زنده‌گی آینده‌ی دختران را یادآور می‌شویم.	۲	۲/۲۷٪
جمع			۸۸	۱۰۰/۰۰٪

هم‌چنین، جدول ۱۹ نشان می‌دهد که ۶۱/۳۶ درصد از آموزگاران به نابرابری شغل‌گزینی متناسب با جنسیت فرزندان خود باور داشته‌اند.

جدول ۱۹- انتظاراتی آموزگاران از فرزندان‌شان در شغل‌گزینی

گروه	پرسش	۴- انتظار شما از فرزندان‌تان در گزینش شغل چیست؟	فراوانی	درصد
آموزگاران دبستان‌های دخترانه		با رشته‌ی تحصیلی‌شان سازگار باشد.	۸	۹/۰۹٪
		علاقه‌ی خودشان مطرح است.	۱۰	۱۱/۳۶٪
		برای پسران کارهایی که از نظر مالی آن‌ها را تأمین کند، مانند مهندسی و پزشکی؛ و برای دختران هم بنا به موقعیت زنده‌گی‌شان، شغل‌هایی مثل آموزگاری یا کارهای هنری.	۲۶	۲۹/۵۵٪
آموزگاران دبستان‌های پسرانه		گزینش شغل به علاقه‌ی خودشان بسته‌گی دارد و خیلی بهتر است که با تحصیلات عالی همراه باشد.	۱۶	۱۸/۱۸٪
		برای پسران کارهایی با درآمد بالا (چون اداره‌کننده‌ی زنده‌گی هستند) که منزلت اجتماعی بالا داشته‌باشد؛ ولی دختران باید کاری برگزینند که به زنده‌گی‌شان آسیب نزند. مثلاً، برای دختران آموزگاری و برای پسران کارهای فنی.	۲۸	۴۱/۸۲٪
	جمع		۸۸	۱۰۰/۰۰٪

بررسی یافته‌ها

۱- آیا روش کلاس‌داری آموزگاران از انتظارات جامعه از دختران و پسران اثر می‌پذیرد؟

یافته‌های پژوهش (جدول‌های ۱ تا ۱۰ و جدول ۱۷) نشان می‌دهد که روش کلاس‌داری آموزگار تحت تأثیر نگرش‌های او به جنسیت دانش‌آموز است. آموزگاران که نابرابری جنسیتی را درست می‌دانند، با دانش‌آموزان خود بر پایه‌ی جنسیت آن‌ها به گونه‌ی متفاوت رفتار می‌کنند و در برابر پسران و دختران روش‌های متفاوتی به کار می‌گیرند.

آموزگاران در این پژوهش بر این باور بودند که پسران شناسه‌هایی هم‌چون اعتمادبه‌نفس، جسارت، قاطعیت، و تسلط دارند. در برابر، دختران وابسته، عاطفی، غیرمنطقی، هیجانی، و فرمان‌بر اند. از سوی دیگر، پسران در جایگاه مدیران، پدران آینده، و نان‌آور خانه اند؛ بنابراین، آموزگاران بر این باور اند که باید به آن‌ها آموزش‌های ویژه‌ی داده‌شود که طی آن بتوانند از عهده‌ی مشاغل کلیدی و حساس برآیند و هم‌چنین بتوانند خانواده‌ی خود را اداره کنند در عوض، دختران را که مادران فردا به شمار می‌روند، به آموختن خانه‌داری برمی‌انگیزند. به سخن دیگر، در این پژوهش، آموزگاران که همه‌گی زن بودند، به‌شدت به تفاوت نقش‌ها و وظایف مردان و زنان در اجتماع باور داشتند. آن‌ها مجموعه‌ی از نقش‌ها، ویژه‌گی‌های شخصیتی، و وظایف اجتماعی را مناسب مردها و ویژه‌گی‌های دیگری را درخور و شایسته‌ی زنان می‌دانستند.

این یافته‌ها با یافته‌های شپردسون و پیزینی^۱ (۱۹۹۲) هم‌خوان است. پژوهش آنان نشان داد که به دلیل تعصب‌های جنسیتی، آموزگاران پسران را در مهارت‌های عقلانی و شناختی نیرومندتر از دختران ارزیابی می‌کنند. آموزگاران، هم‌چنین پسران را تحلیل‌گر و تفسیرکننده‌تر از دختران دانسته‌اند؛ چنان که دختران را تنها در مهارت‌های شناختی، مانند مشاهده، اندازه‌گیری، برقراری روابط، انجام کارهای گرافیکی، و کنترل دستگاه‌ها قوی‌تر از پسران دانسته‌اند.

هم‌چنین، بنز، فای‌فر، و نیومن^۲ (۱۹۸۱) دریافتند که بر پایه‌ی پندارهای قالبی و نابرابری‌های جنسیتی، آموزگاران تحصیلات عالی و کارکردهای عملی بسیار بالا را با نقش زنانگی هم‌خوان نمی‌دانند. پژوهش‌های یادشده این دیدگاه را تأیید می‌کند که نابرابری‌های جنسیتی. آموزگاران که باورهای آنان را می‌سازد، بی‌گمان در شیوه‌ی آموزش و روش

1. Shepardson, D. P., & Pizzini, E. L.

2. Benz, C. R., Pfeiffer, I., & Newman, I.

کلاس‌داری آموزگاران تأثیر می‌گذارد، و این اثر به اندازه‌ئی است که پندارهای قالبی در کلاس درس تقویت می‌شود.

پندارها و نگرش آموزگاران زن درباره‌ی جایگاه زن و مرد در جامعه، در حقیقت بازتابی از خودپنداره‌ی آنان است که بی‌گمان در روش کلاس‌داری آن‌ها تأثیری به‌سزا دارد. این‌چنین است که آموزگاران نه‌تنها باید در زمینه‌های ویژه‌ی خود آموزش ببینند، بلکه باید یاد بگیرند که چه‌گونه و با چه روشی با دانش‌آموزان خود در ارتباط با الگوهای اعتقادی، نگرشی، و رفتاری برخورد کنند و در برابر نابرابری‌های جنسیتی در روش کلاس‌داری خود حساس باشند.

زنان همواره به گونه‌ئی غیرفعال و ناآگاهانه نگرش‌های جامعه را به خود در نهاد ناخودآگاه خود پذیرفته‌اند و در فرصت‌های مناسب این نگرش‌ها را به گونه‌ئی فعال، آگاهانه، یا ناآگاهانه، به فرزندان یا نسل‌های آینده، چه زن و چه مرد، منتقل کرده‌اند. زنی که پذیرفته که پست‌تر و پایین‌تر از مرد آفریده‌شده‌است، زنی که توانائی، نیرو، نوآوری، آفریننده‌گی، بی‌باکی، هوش، زیرکی، اعتمادبه‌نفس، قاطعیت، و در یک کلمه، «خود» را باور ندارد، صرف نظر از حرفه‌ئی که برمی‌گزیند، با چنین خودپنداره‌ئی منفی نخواهدتوانست آن گونه که باید وظایف خود را انجام دهد و همیشه در چنگال خودکم‌بینی گرفتار خواهدماند. اگر چنین زنی آموزگار دختران باشد، به دانش‌آموزان دختر، همچون خود و با پنداره‌ئی که از خود دارد می‌نگرد، و در برابر دانش‌آموزان پسر را تافته‌ئی جداافته می‌داند.

سرانجام، چنان که یافته‌های این پژوهش نشان داد، آموزگار به سان مجری و کارگزار اصلی آموزش و پژوهش نقشی بنیادی در نیرومندسازی نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی دانش‌آموزان بر دوش دارد و هر آن گونه که به «انسان» بیاندیشد، همچنان برای پرورش او تلاش خواهدکرد و دیدگاه پرورشی خود را بر پایه‌ی نگرش خود به پیوندهای فرد و جامعه، و جایگاهی که به فرد در پرورش خود و دیگران می‌دهد خواهدساخت. بی‌گمان دیدگاه‌های پرورشی آموزگار، بر روش کلاس‌داری او در ابعاد مختلف، مانند روش آموزش، پدیدآوری گرایش و انگیزه در دانش‌آموزان، برپایی نظم در کلاس درس، تشویق و تنبیه شاگردان، و سوق دادن‌شان به سوی شغل‌ها و رشته‌های تحصیلی، تأثیر خواهدگذاشت و در پدیدآوری و استوارسازی رفتارهای قالبی جنسیتی، آن سان که معلول جامعه است، کمک می‌کند.

۲- آیا روش تنبیه و تشویق آموزگار در کلاس، با جنسیت دانش‌آموز متناسب است؟

یافته‌های پژوهش (جدول‌های ۱۱ و ۱۲) نشان می‌دهد که روش تشویق و تنبیه آموزگاران بنا به جنسیت دانش‌آموز متفاوت است. آموزگاران بازگو کردند که برای تنبیه پسران آن‌ها را از کلاس بیرون می‌کنند و یا او را از آن چه دوست می‌دارد محروم می‌سازند. برای تشویق هم، بیشتر روش تشویق‌های گفتاری یا معرفی سر صف را به کار می‌گیرند. در برابر، بیشتر آموزگاران که به دختران آموزش می‌دادند، گفته‌اند که روش‌هایی مانند خواستن اولیای دانش‌آموز یا قهر با دانش‌آموز را به کار می‌گیرند. در تشویق دختران، روش‌های جایزه دادن، یا واگذاری مسئولیت‌هایی ویژه به آن‌ها بیش‌ترین کاربرد را داشت.

سادگر و سادگر (۱۹۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که پسران به دلیل توجه بیش‌تر به آن‌ها، بیش از دختران در کلاس درگیر کنش‌ورزی بودند و بیش از آن‌ها مورد توجه آموزگار و تشویق و تنبیه او قرار می‌گرفتند. این پژوهش‌گران ریشه‌ی این پدیده را در نگرش‌های سنتی جامعه می‌دانند که پسران را مردان آینده‌ی جامعه می‌پندارد که باید بر پای خود بایستند و از خود پای‌مردی و اراده‌ی استوار داشته‌باشند. از این رو، آموزگاران در برخورد با آن‌ها نسبتاً خشن و جدی اند. این شیوه‌ی برخورد در خانواده‌ها نیز به چشم می‌خورد که تنبیه بدنی بیش‌تر برای پسران به کار برده‌می‌شود؛ در حالی که دختران را بیش‌تر با گماردن‌شان به کارهای اجباری در خانه، تنبیه می‌کنند.

۳- آیا آموزگاران به دانش‌آموزان بنا به جنسیت‌شان مشارکتی ویژه پیشنهاد می‌کنند؟

یافته‌های پژوهش (جدول‌های ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸، و ۱۹)، نشان‌دهنده‌ی چیره‌گی اندیشه‌ی سنتی بر جامعه است. آن چه که در این پژوهش دیده‌شد، جداسازی نقش‌های زنان و مردان، و کارهای مردانه و زنانه در سلسله‌مراتبی است که در آن مردان در جایگاهی بالا می‌نشینند.

در فرآیند اجتماعی شدن کودک، خانواده نخستین منبع به شمار می‌رود. به سخن دیگر، کودک در خانواده، به عنوان نخستین جامعه‌ی خود، بسیاری از رفتارها و نقش‌های گوناگون را از والدین و خواهران و برادران خود، با یادگیری دیداری می‌آموزد. در این گونه آموزش که می‌توان آن را آموزش نامستقیم نامید، چه‌گونه‌گی رفتار متفاوت پدر و مادر با دختر و پسر، در دیده‌های کودک از وظایف و مسئولیت‌های پدر و مادر آغاز می‌شود و با بزرگ شدن او و درآمدن‌اش به جامعه، الگوهای رفتاری مربوط به جنسیت، در او پدید می‌آید (محسنی، ۱۳۶۵). برای نمونه، معمولاً در خانواده‌ها با پسرها بازی‌های خشن انجام

می‌شود و در خلال رشد، معمولاً پسرها برای بازی‌های دخترانه آزادی کم‌تری دارند، اما برای دخترها چندان حساسیتی خرج نمی‌شود.

در این باره، پژوهش‌های فراوانی انجام شده‌است که از آن میان می‌توان از پژوهش سادکر و سادکر (۱۹۹۵) نام برد که یافته‌های آن با یافته‌های این پژوهش هم‌سو است. این پژوهش‌گران نشان دادند که تقسیم کارهای خانه بر اساس جنسیت انجام می‌شود. مثلاً دخترها ظرف می‌شویند و پسرها باغبانی می‌کنند؛ یا والدین پسرها را به فراگیری ریاضی و علوم برمی‌انگیزند و برای پاداش به آن‌ها میکروسکوپ و دیگر ابزارهای آزمایشگاهی هدیه می‌کنند؛ در برابر، دخترها تشویق می‌شوند که به شعر، ادبیات، و نمایش عشق بورزند. مورفی و گیپس^۱ (۱۹۹۶) نیز با بررسی ۱۵۰۰ مادر، دختر، و پسر نوجوان، برای تعیین نقش انتظارهای والدین بر فرصت‌های شغلی فرزندان‌شان، دریافتند مادران فرزندان پسر خود را تشویق می‌کردند که پس از دبیرستان به ارتش بروند و می‌خواستند پسران‌شان دارای کاری باشند که بتوانند در آینده از خانواده‌ی خود حمایت کنند؛ ولی در مورد دختران‌شان فقط به ازدواج‌شان فکر می‌کردند. در پژوهش یادشده مادران بیش‌تر پسران‌شان را به کار با کامپیوتر برمی‌انگیختند و برای آن‌ها شرایط و ابزار کار را فراهم می‌کردند؛ برای پسرها کتاب‌های علمی و ریاضی می‌خریدند و در زمینه‌های ورزشی برای‌شان فرصت‌هایی پدید می‌آوردند؛ در حالی که برای دخترها در موسیقی، هنر، و رقص فرصت‌هایی فراهم می‌کردند. مادران پسران را در ریاضی با استعدادتر و دختران را در ادبیات دارای استعداد بسیار خوبی می‌دانستند. به گونه‌ئی کلی، انواع راهنمایی‌ها و فرصت‌هایی که مادران فراهم می‌آوردند، نشان‌دهنده‌ی انتظارهای متفاوت آن‌ها درباره‌ی توانائی‌های پسران و دختران بود.

پس از خانواده، مدرسه و آموزگاران نقشی بنیادی در تقویت نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی بر دوش دارند. با توجه به آن که آموزگاران این پژوهش از میان آموزگاران همسردار گزیده‌شده‌اند، دیده‌شد که بیش‌تر آموزگاران همان نگرش‌ها و انتظارهایی را که از فرزندان دختر و پسر خود به عنوان یک مادر دارند، در کلاس درس نیز به دانش‌آموزان خود تعمیم می‌دهند؛ به گونه‌ئی که نزدیک به همه‌ی آموزگاران معتقد بودند که دختران باید در آینده کارهایی مانند پرستاری یا آموزگاری را برگزینند که با وضعیت زنده‌گی آینده‌ی آن‌ها سازگار باشد. به سخن دیگر، برای دختران آن دسته از کارها سفارش شده‌است که وظایف خانه‌گی آن‌ها را در بیرون از خانه تداوم بخشد.

در این پژوهش، آموزگاران زنان را فراهم‌کننده‌ی آسایش‌های مادی و عاطفی خانواده دانسته‌اند. رسیده‌گی به غذا، پاکیزه‌گی خانه، ناز و نوازش فرزندان، اطمینان خاطر دادن به

1. Murphy, P. F., & Gipps, C. V.

آن‌ها، یاری آنان در حل مشکلات، و سرانجام همسری مهربان و دل‌سوز بودن، از نقش‌ها و انتظارهایی بود که آموزگاران از هم‌جنس‌های خود، یعنی دختران و مادران آینده داشتند که این خود سدی است که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در برابر مشارکت زنان در جامعه وجود دارد و شاید یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی فعالیت‌های اجتماعی زنان باشد.

۴- آیا آموزگاران برپایه‌ی نظم را در کلاس دختران آسان‌تر از کلاس پسران می‌دانند؟

از دیگر متغیرهای روش کلاس‌داری، چه‌گونه‌گی برپایه‌ی نظم در کلاس درس است که یافته‌های پژوهش (جدول‌های ۱۵ و ۵) نشان می‌دهد که دختران زودتر از پسران به برپایه‌ی نظم در کلاس پاسخ می‌دهند. آموزگاران علت این پدیده را حرف‌شنوی، عاطفی بودن، و ترسو بودن دختران می‌دانستند. آموزگاران همچنین بازگو کردند که دختران به دلیل اطمینان نداشتن به خود و داشتن احساس منفی درباره‌ی خود، با اندک ترش‌رویی آموزگار ساکت و آرام می‌شوند؛ در برابر، آموزگاران پسران را نیرومندتر، قوی‌تر، و نترس دانسته و گفته‌اند که آرام نگاه داشتن آن‌ها در کلاس درس دشوارتر است.

پژوهش‌های یادشده این ادعا را که رفتار کلاس‌داری آموزگار با جنسیت دانش‌آموز رابطه دارد تأیید می‌کند.

پیشنهاد‌های برگرفته از پژوهش

- دگرگونی در اهداف تربیتی. ارزش‌گذاری‌شده بر پایه‌ی جنسیت؛
- بازنگری در برنامه‌های درسی با تأکید بر پی‌آمدهای برابری آموزش دختران و پسران؛
- آموزش آموزگاران برای دگرگون‌سازی انتظارات آن‌ها از دانش‌آموزان دختر، تقویت نگرش مثبت در دانش‌آموزان دختر در زمینه‌ی ریاضی و علوم، بالا بردن اعتمادبه‌نفس دختران درباره‌ی توانائی‌های خود، پدیدآوری گرایش به زمینه‌های فنی و حرفه‌ئی، و سازمان‌دهی کلاس درس (کنش‌ورزی آموزگار و دانش‌آموز) به‌دور از تعصب‌های جنسیتی؛
- به‌کارگیری تصویرهایی از زنان در حال انجام شغل‌های کلیدی در کتاب‌های درسی.

منابع

- آفزاده، م، و فضل‌ی، ر. (۱۳۸۴). راهنمای تدریس و کلاس‌های چندپایه. تهران: آیز.
- داگلاس، ج. (۱۳۷۷). مشکلات رفتاری کودکان: ارزیابی و چاره‌جویی. برگردان م. یاسایی. تهران: کتاب ماد.
- دیبری اصفهانی، ع. (۱۳۷۵). آموزش و پرورش ابتدائی، راهنمائی، و متوسطه. تهران: دانشگاه پیام نور.
- دیبری اصفهانی، ع. (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی درسی ملی و مدرسه‌ئی. تهران: پیام نور.
- سیف، ع. ا. (۱۳۷۳). ملاک‌های شایسته‌گی معلم. مدیریت در آموزش و پرورش، ۳(۴)، ۹۵-۱۱۵.
- کدیور، پ. (۱۳۷۲). تأثیر انتظار معلم بر عمل‌کرد تحصیلی دانش‌آموزان. تعلیم و تربیت، ۹(۱)، ۲۷-۶۳.
- محسنی، ن. (۱۳۶۵). الگوهای رفتاری مربوط به جنس و عوامل آموزشی. نشریه‌ی دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۲(۲)، ۲۷-۳۶.
- ملکی، ح. (۱۳۷۳). صلاحیت‌های حرفه‌ی معلمی. رشد تربیت معلم، ۱۲(۱)، ۲۶-۲۹.
- ماسن، ه. (۱۳۷۳). رشد و شخصیت کودک. برگردان م. یاسایی. چاپ ۵. تهران: نشر مرکز.
- Alper, J. (1993). The pipeline is leaking women all the way along. *Science*, 260(2), 409-411.
- Andersen, S. M., & Klatzky, R. L. (1987). Traits and social stereotypes: Levels of categorization in person perception. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53(2), 235-246.
- Benz, C. R., Pfeiffer, I., & Newman, I. (1981). Sex role expectations of classroom teachers, Grades 1-12. *American Educational Research Journal*, 18 (3), 289-302.
- Basow, S. A. (1998). Student evaluations: The role of gender bias and teaching styles. In L. H. Collins, J. C. Chrisler, & K. Quina (Eds.), *Career Strategies for Women in Academia: Arming Athena* (pp.135-156). Thousand Oaks, CA: Sage Pub.
- Campbell, P. B., & Sanders, J. (1997). Uninformed but interested: Findings of a national survey on gender equity in pre-service teacher education. *Journal of Teacher Education*, 48(1), 69-75.
- Dweck, C. S., & Wortman, C. B. (1982). Learned helplessness, anxiety, and achievement motivation: Neglected parallels in cognitive, affective, and coping responses. In H. W. Krohne & L. Laux (Eds.), *Achievement, Stress, and Anxiety* (pp. 93-125). Washington, DC: Hemisphere.
- Goldberg, P. (1968). Are women prejudiced against women? *Trans-Action*, 5(5), 28-30
- Jones, M. G., & Wheatley, J. (1990). Gender differences in teacher-student interactions in science classrooms. *Journal of Research in Science Teaching*, 27(9), 861-874.
- Kahle, J. B., Parker, L. H., Rennie, L. J., & Riley, D. (1993). Gender differences in science education: Building a model. *Educational Psychologist*, 28(4), 379-404.
- Lee, V. E., Loeb, S., & Marks. H. M. (1995). Gender differences in secondary school teachers' control over classroom and school policy. *American Journal of Education*, 103(3), 259-301.
- Mehran, G. (2003). *Gender and Education in Iran* [Background paper commissioned for the Education for All (EFA) Global Monitoring Report 2003/4: Gender and Education for All: The Leap to Equality]. UNESCO Documents and Publications. Retrieved 4 September 2006 from <http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001468/146809e.pdf>
- McLeod, J., Yates, L., and Halasa, K. (1994). Voice, difference, and feminist pedagogy. *Curriculum Studies*, 2(2), 189-202.
- Moore, M., & Trahan, R. (1997). Biased and political: Student perceptions of females teaching about gender. *College Student Journal*, 31(4), 434-444.
- Morrow, C. (1993). *Classroom and Cooperative Group Structures that Promote Gender Equity*. [Paper presented at the 71st NCTM annual meeting, Seattle, WA].

- Murphy, P. F., & Gipps, C. V. (Eds.) (1996). *Equity in the Classroom: Towards Effective Pedagogy for Girls and Boys*. Paris: UNESCO.
- Sadker, M. P., & Sadker, D. M. (1995). *Failing at Fairness: How Our Schools Cheat Girls*. New York: Touchstone Press.
- Sadker, M. P., & Sadker, D. M. (2000). *Teachers, Schools, and Society*. 5th Edition. New York: McGraw-Hill.
- Sadker, M. P., Sadker, D. M., & Klein, S. (1991). The issue of gender in elementary and secondary education. In G. Grant (Ed.), *Review of Research in Education: 1991* (pp. 269–334). Washington, DC: American Educational Research Association.
- Sanders, J. (1994). *Lifting the Barriers*. Seattle, WA: Jo Sanders Publications.
- Shepardson, D. P., & Pizzini, E. L. (1992). Gender bias in female elementary teacher's perceptions of the scientific ability of students. *Science Education*, 76(2), 147–153.
- Swann, J. (1992). *Girls, Boys, and Language*. Oxford, UK: Blackwell Publishers.
- Taber, K. S. (1992). Girls' interactions with teachers in mixed physics classes: Results of classroom observation. *International Journal of Science Education*, 14(2), 163–180.
- Tobias, S. (1992). Women in science—Women and science. *Journal of College Science Teaching*, 21(5), 276–278.
- Weiller, K. H., & Doyle, E. J. (2000). Teacher-student interaction: An exploration of gender differences in elementary physical education. *Journal of Physical Education, Recreation, and Dance*, 71(3), 43–45.

Archive of SID